

تمدن غرب

تمدن دارد می‌میرد

گرامی نامه ایران‌شهر مسئله آفات تمدن غرب را بار دیگر در سرمقاله شماره پنجم امسال برای تنبیه ایرانیان عوام‌مقلد، موضوع بحث قرار داده بود. روزی از مطالعه این مقاله سودمند نگذشته بود که مقاله در «روزنامه عمومی آلمان» (۱) منطبعه برلین مورخه نوزدهم اوت ۱۹۲۶ خواندم و خواستم مال آن را که از طرف یکی از صاحبان فکر و قلم آلمانی نوشته شده است (۲) بر وجه خلاصه پارسی نقل نمایم تا برای آشنائی از هموطنان عزیز که کلرشان در سر تمدن غرب تا سر باختن نیز رسیده ولی هنوز حقیقت آنها را نفهمیده‌اند سر مشق عبرتی گردد. ایران بی شبهه باید ترقی نماید. و برای این مقصود جز استفاده از تمدن علمی مغرب زمین راهی دیگر متصور نیست ولی حرف در سر آنست که هیچ کار را حتی ترقی را هم نباید کور کورانه کرد. این يك مقاله تنها نیست بلکه نمونه‌ای است از هزارها مقالات و صدها کتابهای مهم که از طرف عقلاى فرنگ در تلغین این تمدن سراپا شهوت پول پرست خون خوار تألیف و نشر گردیده است و برای ما ایرانیان که در شروع گاه راه دراز تمدن قدم می‌خواهیم برداریم بسی ضرور است که خود را با محاکمه طفلانۀ ظاهری نباخته و خیالات ترقی را در روی اساسهای علمی استوار نمائیم و الا دوندگی های بسیار عجولانۀ جوانی که کفش براق و چاپکیهای (مد) زمان را پوشیده ولی راه

[۱] Deutsche Allg. Zeitung. 19. Aug. 1926.

[۲] Borris Frh. von Münchhausen.

را از چاه نمیدانند چه فرقی با سکون و بهت و خواب دائمی آن
هموطن درویش تریاکی خواهد داشت که نه می‌رود و نه بچاه
می‌افتد! برلین — رضا زاده شفق

تمدن دارد می‌پیرد! این عقیده امروز در بین عقلای قوم مسلم
است و تنها سؤالی که وارد است این است که آیا اسباب مرگ
تمدن چیست که جوابهای شبهه‌ناک از هر طرف داده می‌شود و
من نیز از دادن جواب قطعی عاجزم. اغلب مردم دو سبب برای
اقرض آن نشان میدهند که آنها را در تحت کلمه آمریکانیدن
(۳) ایهام مینمایند. اولی از این دو سبب ماشین پرست و دومی
ماده پرست کردن عالم است.

۱ — بواسطه ماشین پرستی، آلات دستی قدیم از میان رفته
و بجای آنها ماشین در آمده و همچنین ترتیبات خانگی و نواقل
و غیره جمله مربوط بآلات میکانیکی گردیده و این تحول علامت
و دلیل ترقی شمرده می‌شود. اوتوموبیل، دو چرخه بخاری و
آسمان پیما با عشق مخصوص تقدیر می‌شوند. اینکه کارخانه «فورد»
در هر دقیقه يك اوتوموبیل حاضر میکند از علایم ترقی شمرده
می‌شود. جالب نظر است که میل عمده مردم به سرعت تقلبات است
و همه چیز حتی ترتیبات خانگی را گذاشته و از پشت سر نواقل
و تسریع آنها میدوند.

۲ — مفهوم دوم در تحت کلمه آمریکانیدن، ماده پرستی
است. پول امروز بزرگترین ارزش عالم گردیده حتی شرافت و
شخصیت که در قرون وسطی بآن اندازه قیمت داشت امروز

برابر پول بی قدر شده. دختری که امروز می‌تواند برای يك بچه نامشروع خودش یا فراوانی تهیه لوازم و خوراك نماید از طرف مردم حتی از طرف امثال خود محسود شمرده میشود. اشخاص اصیل نیز با اغنیا رفت و آمد کرده و بدین وسیله به جلب منفعت‌های ملوک می‌کوشند. ازدواج نوعی تجارت شده است و مقصود عمده استفاده مادی از همدیگر است. دعاها نیز دیگر برای شرافت و یا حکومت نبوده بلکه برای پول است. سیاست دول، سیاست اقتصادی گردیده حتی قضاوت تابع این جریان شده يك سیلی و يك دشنام اهمیتش خیلی کمتر از یغمای مقداری پول میگردد. تعارف دادن يك کار دستی که مدنی زحمت در آن کشیده شده و یا يك گل زیبا يك دوست، بسیار کم ارزشتر از يك پارچه تفره دیده می‌شود زیرا گیرنده فوراً می‌گوید «با این چه میتوان خرید؟».

۳ — بهمان نسبت که ارزش پول بالا رفته ارزش مزیات روحانی پائین آمده. دیانت مقابل سفاقت و حسن شرافت دلیل آکنه پرستی شمرده می‌شود. تنها جائیکه مسئله با پول مربوط است اهمیت داده می‌شود.

۴ — «اسپورت» نیز ترقی فوق العاده کرده ولی آن نیز از لذت حقیقی افرادی دست کشیده و حرفتی شده است. تمام همت شبان و روزان مردم صرف مسابقه و گرفتن جایزه میگردد و افراد مانند ماشین در تحت تعلیم آموزشکار ورزش برای این چنین حرکات یکطرفی می‌کوشند. عمده مقصود زیادی حرکت و سرعت است. استعمال متناسب تمام اعضا از نظر افتاده و تمام نظر در تمرکز دادن تمام قوا برای حصول تولید سرعت فوق العاده است.

۵ — خواندن کتابها خصوصاً کتابهای مفید و جدی دارد

کم کم منسوخ می‌گردد. و آنها، یک‌ه که هم می‌خوانند مطالب آن را به تکرار مطالعه نمی‌کنند و بعد از یکبار مطالعه مستعجل تمام کتاب بمشابه مفقود است و برای همیشه گی به دور انداخته میشود. بچه‌ها بجای کتابها روزنامه می‌خوانند و خصوصاً روزنامه‌های مصور را و واگونیهای روزنامه در ایستگاهها پسر است از جراید مصور و البته مرغوبتر و مطلوبترین صورتها عکس ساقهای زن است! ۶ — از علل انحطاط یکی را هم اختلاط نژادی می‌شمارند.

در این موضوع کتابها نوشته شد و آمریکا برای پیشگیری انحطاط نسل خود قوانین ایجاد نمود با اینهمه هنوز ایمنسوله با وضوح عدلی و قطعیت حل و فصل نشده.

۷ — از اسباب دیگر تزلزل، دین را می‌شمارند. در هیچ وقت از اوقات این اندازه بی‌دینی و در مقابل آن اینقدر مذهب و جمعیت‌ها و مسلک‌های تازه دیده نشده. گویا بهمان اندازه که از عدد متدینین کم می‌گردد بهمان اندازه نیز حس دیانت در بقیه آنها عمیق‌تر می‌شود و حتی اعتقاد به خرافات و اساطیر و معجزات زیادتر می‌گردد.

اینک بعضی را از آنچه اسباب تمدنی شمرده می‌شود ذکر نمودیم. اکنون می‌پرسیم کیست که بتواند اوضاع کنونی خرابی عالم را در يك فکر خلاصه کند و سبب قطعی آنرا با يك کلمه بیان نماید؟ در جواب این سؤال ممکن است يك حقیقت را بی‌تردد اظهار نمود و آن این است که در این دوره فکرها را که بدو صحیح و مفید بودند زیاده از حد مبالغه و اعظام کرده‌ایم. مثلاً ماشین و الکترونیک و منافع آن واضح است و وقتیکه شاعر آلمانی گوته میگفت: «من میدانم بهتر از این چه اختراع میتوانست کرد که آدم چراغ را بدون کبریت روشن نماید» تماماً حق داشت و میدید

که چگونه اختراعات عصر هزاران زحمت و اسارت انسان را مرتفع نمود ولی ما این مسئله را با اندازه اعظام نمودیم که ماشین بمرتبه خدائی رسید.

همچنین نظریات مادیون تا اندازه برای يك ملتی که کارش شعر و خواب و خیال باشد بسیار نافع بود برای زندگانی در این عالم، خردداری از شرایط و قوانین و قوای این عالم شرط است. همچنین پول و اهمیت اقتصادی آن نیز لازم بود معلوم گردد اما حرف آنجا است که در اینجا نیز این چیزها را با آسمان برده و آنها را حاکم مطلق کردیم.

همچنین وقتی ما تنها روح را در نظر گرفته و در عالم ریاضت قوای بدنی و تندرستی خود را فراموش نموده بودیم. تعلیم ورزش ضروری بود ولی دیگر نه با اندازه که ورزش بدرجه يك نوعی ناخوشی برسد و در آن باب با اندازه افراط بشود که بیچاره واضع آن اگر چشم باز کند بحیرت خواهد افتاد. امروز تمام وقت زن و مرد صرف زیبا و جوان کردن بدن شده و روح و تربیت آن از میان رفته. و مخصوصاً خانمها که چه معرکه در این فزادی میکنند. بحیرت تمام میخوانیم که امروز فابریکهای هست که کلشان ساختن گوشهای کوچک و دماغهای باریک است و زنها هرگونه نداوی و عملیات و رنگزنی و زینت و ورزش می نمایند تا جواتر دیده شوند. در هیچ عصری زن باین بی قیدی موی کوتاه و مردانه خود را اینگونه بی مهابا در سر میزد دیگران شانه نزده و لبها را با سرخاب به این اندازه نیالوده است که امروز میکند. مبالغه اینها در آرایش تن بمراتب زیاده تر شده است از مبالغه اجداد اینها در تصفیه روح.

بهین ترتیب است مسئله مطالعات و نژادها و بالاخره

مسئله دین که در تمام اعتراضات راجع به این مواد حقیقی بود ولی در این زمان مبالغه و افراط و سوء استعمال از اینطرف شده و ازین رو مرض اجتماعی مسری عارض ما گردیده و سوء تفاهم عمومی نیز روی داده و جهانی به آشوب افتاده است که در نظر من جمله دلیل آنست که تمدن، دارد رو باقرض می‌رود و کاشکی فکر ترقی را اصلاً باور نمی‌کردیم و اگر يك نهضت بسیار اساسی فکری که مانند زلزله بزرگی که اذهان را زیر و رو نماید ظهور نکند باید به انسانیت امروز گفت: باز آمدت نیست چو رفتی رفتی.

نگاهی با آسمان

مختصری در باب افلاک

و ائمه‌گان محترم ناچار میدادند که آفتاب در مرکز نظام شمسی ما واقع شده است و هشت سیاره یعنی عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس و نپتون به ترتیب بر حسب بعد آنها بر دور آفتاب در مدار خود می‌گردند. اینک نگارنده می‌خواهم در ذیل راجع به نزدیکترین این سیارات به آفتاب یعنی عطارد بسط سخن داده و بعد در خصوص اورانوس و نپتون تا حدی که در حد ممکن دانش خود دارم بنویسم تا کسانی که میل دارند در خصوص این اجسام درخشانده که در شب تاریک جلب دقت ما

